

بررسی تأثیر جنسیت بر محتوا در آثار گلی ترقی بر پایه نظریه لیکاف

مجتبی سلطانیان^۱، لیلا هاشمیان^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2022.23748.1937

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۸۸-۷۱

چکیده

یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی زبان، زبان‌شناسی جنسیت است که به بررسی تأثیر جنسیت نویسنده بر محتوای اثر می‌پردازد. زبان از عناصر بنیادی در داستان نویسی به‌شمار می‌رود. یکی از مباحث مهم در بررسی زبان، توجه به جنسیت و رابطه آن با زبان اثر است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند میان زبان و نوشتار زنان و مردان تفاوت بسیاری وجود دارد. در این مقاله، به شیوه استقرایی و تحلیلی زبان زنانه و مردانه در مجموعه آثار «گلی ترقی» براساس نظریه‌های زبان‌شناسان اجتماعی و ازمنظر دستور زبان مقایسه شده است، تا میزان تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان داستان و سطح موفقیت او در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های هم‌جنس و غیرهم‌جنس، ارزیابی شود. برای این منظور، زبان زنانه و مردانه در حیطه دستور زبان براساس متغیرهای پیش‌رو مورد بررسی قرار گرفت؛ واژگان ازقبیل: دش‌واژه‌ها و رنگ‌واژه‌ها، و جملات ازقبیل: تعدیل‌کننده‌ها و تصدیق‌گرها. یافته‌ها نشان می‌دهد، زبان شخصیت‌ها تحت تأثیر جنسیت نویسنده قرار دارد و کلیشه‌های زبان زنانه در این اثر با بسامد بیشتری تکرار شده است. هم‌چنین براساس متغیرهای فوق مشخص شد، نویسنده از بسیاری جهات توانسته زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها به‌کار بگیرد. در مواردی که تناسبی بین زبان و جنسیت، به‌ویژه در شخصیت‌های زن دیده نمی‌شود، بیشتر به دلیل روحيات نویسنده و تمعد اوست، که خواسته زنان را در برابر سلطه‌گری جامعه مردسالار حاکم فراهنجار نشان دهد.

کلیدواژگان: گلی ترقی، ژمان، جنسیت، زبان زنانه، زبان مردانه، لیکاف.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: dr_hashemian@yahoo.com

۱. مقدمه

بسیاری اعتقاد دارند زبان پدیده‌ای اجتماعی است، که زنان و مردان سهمی مساوی در ایجاد و پروراندن آن دارند، و چه بسا نقش زنان در این زمینه پررنگ‌تر و برجسته‌تر باشد؛ زیرا گروهی بر این باورند، که زنان راویان و حکایت‌پردازان حقیقی تاریخ بشر هستند؛ اما در حوزه نوشتار، مردان غیرمنصفانه، زنان را بیرون رانده، و تمام ارکان زبان را براساس دیدگاه‌ها و خصوصیات مردانه خود شکل داده، و در تمام طول تاریخ مردسالاری بر استحکام و استواری آن افزودند، تا خود فرمانروایان بلامنازع زبان و قلمرو نوشتار باشند. به حاشیه راندن زن، بر پایه قانونی تاریخی رخ می‌داد، که زن را از نوشتن بازمی‌داشت.

یکی از زمینه‌های مورد بررسی در حوزه مطالعات زنان، زبان است که همواره مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. همراه با رشد و گسترش شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی و افزایش شواهد و مدارک زبان‌شناختی جمع‌آوری شده از نقاط مختلف جهان، زبان‌شناسان دریافته‌اند که زبان زنان و مردان اختلافات زیادی دارد. این شواهد و مدارک همگی بر این نکته تأکید دارد که زنان و مردان زبان را به شیوه متفاوتی به کار می‌برند. هر جنس اصطلاحات، واژه‌ها و حتی گونه‌های نحوی خاص خود را دارد. جامعه‌شناسان زبان، این تغییرات را ناشی از عوامل متعددی از جمله: نژاد و قومیت، دین، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و به‌ویژه جنسیت می‌دانند. در مورد سبب اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان، نظرات متفاوتی ابراز شده است؛ گروهی تفاوت‌ها را نتیجه برخورد و آمیزش زبان‌های مختلف دانسته‌اند که به سبب‌های برخوردی نظامی-فرهنگی و... شکل می‌گیرد و یا از نتایج این‌گونه برخوردها بیشتر تأثیر می‌پذیرد. پیشینه انجام مطالعات زبان و جنسیت، به حدود پنج دهه قبل، یعنی سال ۱۹۶۰م. بازمی‌گردد. اولین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شد، تحقیقات «لباو»^۱ (۱۹۷۲) در آمریکا و «ترادگیل»^۲ (۱۹۸۰) در انگلستان بود، و با ظهور و قدرت‌گیری جنبش فمینیست، به خصوص موج دوم آن، مسأله زبان و جنسیت و نابرابری‌هایی که بین مردان و زنان در این زمینه وجود دارد، مورد توجه زبان‌شناسان فمینیست قرار گرفت. تحقیقات فمینیست‌ها، به خصوص «رابین لیکاف»^۳ (۱۹۷۵)، زبان‌شناس مشهور آمریکایی، بسیاری از تفاوت‌های زبانی مردان و زنان را مشخص کرد و نشان داد که رفتار زبانی زنان و مردان تابع کلیشه‌های خاصی است. برای اولین بار رابین لیکاف با انتشار کتاب زبان و جایگاه زنان و چندین مقاله دیگر به صورت جدی و علمی، اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. او معتقد بود، تفاوت قدرت درمیان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر از یک سو، و زنانی تابع و مطیع از سوی دیگر می‌شود. در

اجتماع به طور نسبی زنان پایگاه اجتماعی و نقش‌های محدودتری دارند؛ این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتاب درخور ملاحظه‌ای دارد. شاید بتوان گفت بهترین کاری که در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در سبک ارتباط کالمی صورت گرفته، توسط لیکاف بوده است. به عقیده رابین لیکاف تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری اجتماعی است و ویژگی‌های زبانی آنان بازتاب تفاوت‌هایی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این گروه وجود دارد. متغیرهای لیکاف در ۱۱ گروه جای می‌گیرد: ۱. زبان معیار و استاندارد و زبان عامیانه؛ ۲. دستورها و کلام آمرانه؛ ۳. قاطعیت و انقیاد و فرمانبری؛ ۴. قطع کلام و نوبت‌گیری؛ ۵. تعدیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها؛ ۶. پرسش‌های ضمیمه‌ای؛ ۷. دش‌واژه‌ها؛ ۸. سوگندواژه‌ها؛ ۹. جملات و عبارات تعجبی ندایی؛ ۱۰. صفات و بارعاطفی کلام؛ ۱۱. رنگ‌واژه‌ها.

۲. پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های قبلی که درباره زبان و جنسیت انجام شده است، در حوزه گفتار بوده و پژوهش‌های موردنظر در حیطه نوشتار، خیلی کم صورت گرفته است و دلیل عمده آن هم این طور است که تفاوت‌های زبانی که بین مردان و زنان وجود دارد با آن صراحت و آشکاری که در گفتار مشخص می‌شود، در نوشتار مشهود نیست. اما انتظار می‌رود که تفاوت‌های جنسیتی، خود را در آثار فرهنگی، به خصوص زمان‌ها نشان می‌دهند؛ به دیگر عبارت نوشتار زنانه با نوشتار مردانه به دلیل تفاوت‌های جنسیتی که بین زنان و مردان وجود دارد، متفاوت باشد.

مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی تحت تأثیر فمینیسم، از دهه ۶۰ به صورت علمی و به عنوان نگرشی آگاهانه در عرصه زبان‌شناسی مطرح شد و در مطالعه زبان‌ها تحولات بنیادین ایجاد کرد؛ هرچند قبل از آن نیز مطالعات مردم‌شناسی و گویش‌شناسی که از قرن هفدهم میلادی آغاز شده بود به بررسی تفاوت‌های میان گویش‌وران مرد و زن پرداخته است.

در زیر به تعدادی از پژوهش‌های زبان‌شناسان درباره اختلافات زبانی زنان و مردان اشاره شده است:

لیکاف (۱۹۷۵) اختلافات زبانی زنان و مردان، «وست زیمرمن»، قطع کلام و نوبت‌گیری در مکالمات، «دفرانسیسکو»، کلام رقابتی و مشارکتی و سلطه‌گری در محاورات، «گوم» (۱۹۸۱) عبارات تحلیفی، «هولمز» (۱۹۹۰-۱۹۸۴) پرسش‌های ضمیمه‌ای و ادب و احترام، «کامرون» (۱۹۸۸) پرسش‌های ضمیمه‌ای، «کوتس» (۱۹۸۸) پاسخ‌های کوتاه همپوشی، و «تانن» (۱۹۹۰) سبک گفتاری.

در زبان فارسی، پیشینه این‌گونه تحقیقات بسیار اندک است و تنها منحصر به چند مقاله، کتاب و رساله می‌شود، که در ادامه به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است. - «مدرسی» (۱۳۶۸)، اولین پژوهشی که درباره تفاوت‌های زبان‌شناختی مردان و زنان در زبان انجام شده، رساله «یحیی مدرسی» است که در آن، وی با مطالعه زبان فارسی تهرانی در بافت اجتماعی آن، هم‌بستگی جنسی با برخی متغیرهای تلفظی زبان را نشان داده است (مدرسی، ۱۳۶۸).

- «عسگری» (۱۳۷۵)، در پایان‌نامه خود، سه متغیر تلفظی را در رفتار زبانی گویش‌وران فارسی تهرانی و هم‌بستگی آن‌ها را با عوامل اجتماعی چون: جنسیت، تحصیلات، سن و سبک مورد بررسی قرار داده است (عسگری، ۱۳۷۵).

- «جان‌نژاد» (۱۳۸۰)، رساله دکتری «محسن جان‌نژاد» با عنوان «پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی گویش‌وران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای»، یکی دیگر از کارهای انجام شده در این زمینه است. پژوهش‌های میدانی وی در جهت بررسی و ارزیابی تفاوت‌های جنسیتی در تعامل مکالمه‌ای گویش‌وران مرد و زن ایرانی صورت گرفته است؛ وی، نه متغیر زبان‌شناختی اجتماعی و کلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. میزان کلام، نوبت‌گیری و رشته کلام، قطع کلام، نقش حمایتی-قطعی مکالمه‌ای، عبارات حاشیه‌ای، تصدیق‌گرها، صورت‌های پرسشی/ امری، اصطلاحات زشت/ تعجبی و ندایی و عبارات تحلیفی (جان‌نژاد، ۱۳۸۰).

«برزگر آق‌قلعه» (۱۳۷۸)، وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «جنسیت و تفاوت واژگان در فارسی معیار به‌کار رفته در ادبیات داستانی معاصر» با تأکید بر این‌که برخی واژگان حالت جنسیتی دارند، یعنی این‌که به‌طور مجزا و به‌شکلی متفاوت از سوی دو جنس مخالف به‌کار می‌روند، به بررسی چند اثر ادبی داستانی معاصر زبان فارسی، از جمله آثار «محمود دولت‌آبادی»، «سیمین دانشور»، «صادق چوبک»، «ابراهیم گلستان»، «عباس سماکار»، «جمال میرصادقی»، «فریدون دوستار» و... می‌پردازد. وی بیان می‌کند که هر یک از دو جنس مخالف، از پاره‌ای الفاظ و اصطلاحات خاص استفاده می‌کنند، و از این طریق رفتارهای زبانی مختلفی را از خود نشان می‌دهند.

علاوه بر این، وی نتیجه می‌گیرد که رفتار کلامی مردان در جامعه مردسالار، از جمله جامعه ما همواره با خصوصیات و ویژگی‌هایی توأم با خشونت و تندخویی بازشناخته می‌شود (برزگر آق‌قلعه، ۱۳۷۸).

«پاک‌نهاد جبروتی» (۱۳۸۰)، در کتاب خود تحت عنوان فرادستی و فرودستی در زبان اقدام شایسته‌ای در این زمینه انجام داده است. وی در این نوشته سعی می‌کند نشان دهد، که چگونه واژگان زبان می‌توانند باعث فرودست‌انگاری زنان در جامعه و

در مقابل فرادستی مردان شود؛ وی در انجام این تحقیق بر نظریه «سایپر-ورف» تأکید دارد، و نشان می‌دهد که زبان فارسی در اکثر موارد، زبانی زن‌ستیز است و به‌طور آشکار و پنهان به سرکوب زنان پرداخته، در مقابل به دلیل مردم‌محور بودنش به مردان جایگاه برتری در جامعه می‌دهد (پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۰).

پژوهشگران دیگری چون: «نجم‌آبادی» (۱۳۷۷)، «علی‌نژاد» (۱۳۸۱)، «نوشین‌فر» (۱۳۸۱)، «بهمنی» و «باقری» (۱۳۹۱) نیز درباره جنسیت در زبان، مقالاتی نوشته‌اند و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیده‌اند.

۳. بازشناخت اجمالی نویسنده

گلی ترقی از جمله بانوان نویسنده ایرانی در ۱۷ مهر ۱۳۱۸ در تهران دیده به جهان گشود. پدرش «لطف‌الله ترقی» مدیر مجله ترقی بود. در خیابان خوشبختی به دنیا آمد و در شمیران به مدرسه و سپس «دبیرستان انوشیروان دادگر» رفت. گلی ترقی در ۱۹۵۴ م. پس از به پایان رساندن سیکل اول دبیرستان به آمریکا رفت؛ ترقی، شش سال در آمریکا زندگی کرد و در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد و از آنجا که زندگی در آمریکا را دوست نداشت به ایران بازگشت. پس از بازگشت به داستان‌نویسی روی آورد. گلی ترقی، نه سال در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس در رشته شناخت اساطیر و نمادهای آغازین پرداخت، سپس به فرانسه رفت. گلی ترقی هنگامی که در ایران بود با «هژیر داریوش»، سینماگر و منتقد ازدواج کرد و دارای دو فرزند شدند و سپس از یکدیگر جدا شدند. اولین مجموعه داستان گلی ترقی به نام من هم چه گوارا هستم در ۱۳۴۸ ه.ش. توسط «انتشارات مروارید» منتشر شد. گلی ترقی پس از انقلاب به فرانسه رفت در آنجا هم به نوشتن ادامه داد، یکی از داستان‌هایش به نام بزرگ بانوی روح من به فرانسه ترجمه شد. در ۱۹۸۵ م. این داستان به عنوان بهترین قصه سال در فرانسه برگزیده شد.

در نخستین داستان‌های گلی ترقی، شخصیت آدم‌ها، بیمارگونه، ناامید، ناتوان و تنها و منزوی هستند که از همه چیز بیم دارند، سرخورده‌اند و رابطه‌ای با اجتماع ندارند؛ چرا که اغلب مردم جامعه را نادان و سطحی می‌بینند. ترقی پس از سال ۱۳۵۷ ه.ش. داستان‌های تأمل‌برانگیزی مانند: بزرگ بانوی روح من، اتوبوس شمیرا، و خانه‌ای در آسمان نوشته است که نمونه‌های برجسته ادبیات داستانی معاصر ایران هستند.

۴. بررسی و تحلیل داده‌ها براساس مؤلفه‌های لیکاف

در مقاله پیش‌رو، اختلافات زبانی شخصیت‌های زن و مرد در آثار گلی ترقی، از منظر

دستور زبان (واژگان و جملات) بررسی می‌شود. در هر بخش، داده‌های پژوهش با توجه به نظریات زبان‌شناسان، به‌ویژه لیکاف و نتایج پژوهش‌هایی که در زبان فارسی و انگلیسی انجام شده است، تحلیل و درنهایت با توجه به میزان مطابقت زبان شخصیت‌های ژمان با کلیشه‌های زبان مردانه و زنانه، میزان موفقیت نویسنده در خلق زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها، ارزیابی می‌شود.

۵. اختلافات زبانی زنانه و مردانه شخصیت‌ها در سووشون از منظر دستور زبان

۱-۵. واژگان

چنان‌که می‌دانیم، «برخی واژه‌ها و اصطلاحات زنانه‌اند و برخی مردانه. این یک قانون نیست»؛[۱] اما در طول زمان و بر اثر کثرت استعمال بعضی واژگان و اصطلاحات زنانه و برخی مردانه شده‌اند. «(بهمنی و باقری، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ چنان‌که «در بسیاری از زبان‌ها، واژه‌ها و اصطلاحات معینی وجود دارند که تنها از سوی یکی از دو جنس مورد استفاده قرار می‌گیرند و جنس دیگر از کاربرد آن‌ها خودداری می‌کند؛ به‌عنوان مثال، مردان فارسی‌زبان صورت‌هایی مثل «خدا مرگم بده» را زنانه می‌دانند و در مقابل زنان نیز اصطلاحاتی مانند «چاکرم» را مردانه می‌انگارند و از به‌کار بردن آن‌ها پرهیز می‌نمایند.» (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). برای بررسی زبان خاص مردان و زنان، چند متغیر را که معرف جنسیت خاصی هستند، مانند: دش‌واژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها، و صفات عاطفی در مجموعه آثار گلی ترقی مورد مطالعه قرار داده شده‌اند.

۱-۱-۵. دش‌واژه‌ها

در زبان‌شناسی عامیانه^۴ مشاهده می‌شود، که زبان گویش‌وران مرد حاوی واژه‌های خشن و زشت است. لیکاف (۱۹۷۵) نیز مدعی است که در زبان انگلیسی، مردان بیش از زنان از اصطلاحات زشت، یعنی دش‌واژه (Damn, Shit) استفاده می‌کنند. او معتقد است زنان از عبارات خشن، بی‌ادبانه و دور از نزاکت استفاده نمی‌کنند، و آن‌ها متخصصان استفاده از حسن بیان‌اند (فارسیان، ۱۳۷۸: ۲۷).

لیکاف در کتاب خود به نام زبان و جایگاه زن^۵ (۱۹۷۵) اشاره می‌کند که اگر یک دختر بچه همانند یک پسر، خشن صحبت کند، مسلماً مورد سرزنش و نکوهش قرار خواهد گرفت، و جامعه از طریق والدین کودک و دوستانش او را در جایگاه خود قرار می‌دهد. این عمل باعث می‌شود در آینده، دختر نتواند خود را در اجتماع، نیرومند و قوی مطرح کند (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷۵).

«سپرسن» (۱۹۲۲) نیز بر آن است: «بدون شک زنان با اشمئزاز و حجب ذاتی خود از تعبیرات درشت و خشن و رویکرد ذاتی به عبارات مهذب‌تر و گاهی اوقات در لفافه و

غیرمستقیم، تأثیر بزرگ و جهانی بر تحول زبان اعمال می‌کنند» (فارسیان، ۱۳۷۸: ۲۷).
«گوم» (۱۹۸۱) نیز اظهار می‌کند، که گویندگان مرد بیش از زنان از ناسزا و سخنان بی‌ادبانه استفاده می‌کنند (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۱۶).

دش‌واژه‌ها، واژه‌هایی زشت و خشن هستند که در عرف جامعه آوردن آن‌ها بر زبان، نشانه بی‌ادبی و بی‌نزاکتی است و هر اندازه این واژه‌ها زشت‌تر و دور از ادب باشند؛ به طوری که در محافل عمومی و حتی خصوصی نتوان آن‌ها را بر زبان آورد، رکیک و رکیک‌تر محسوب می‌شوند. زبان‌شناسان معتقدند، زنان، گرایشی ذاتی به استفاده از صورت مهذب و مودبانه‌تر دارند؛ زیرا فرآیند اجتماعی شدن آنان، ایجاب می‌کند از خود رفتار و گفتاری صحیح‌تر و اجتماعی‌تر نشان دهند و حتی الامکان از کاربرد دش‌واژه‌ها احتراز کنند و در صورت ناچارگی از صورتهای زشت و بی‌ادبانه واژه‌ها (در مقابل صورت‌های رکیک) استفاده کنند و در مقابل، مردها میل باطنی بیشتری برای استفاده از دش‌واژه‌ها دارند و این میل از سنین پایین‌تر در آن‌ها به وجود می‌آید. این شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از کلمات و عبارات «تابو» استفاده کنند. در این پژوهش، دش‌واژه‌ها به دو گروه «رکیک» و «غیررکیک» تقسیم‌بندی شده است و پیش‌فرض نگارندگان این است که مردان بیشتر از دش‌واژه‌ها بالأخص از نوع رکیک آن استفاده خواهند کرد.

یافته‌های پژوهش‌های زبان فارسی نیز این مسأله را تأیید می‌کند. پژوهش جان‌نژاد که در مورد تفاوت‌های گفتاری گویش‌وران ایرانی بود، بر این فرضیه صحه می‌گذارد.

جدول ۱، فراوانی کاربرد دش‌واژه‌ها را در زبان کاراکترهای رُمان‌ها نشان می‌دهد. شواهد به دست آمده از آثار نشان می‌دهد، ۶۸/۷۵٪ دش‌واژه‌ها در مکالمات مردان و ۳۱/۲۵٪ بقیه آن‌ها در مکالمات زنان به کار برده شده است؛ هم‌چنین شخصیت‌های آثار به ندرت دش‌واژه رکیکی را به کار برده‌اند.

شخصیت‌های این آثار، تحصیل‌کرده و دارای طبقه اجتماعی بالایی هستند؛ بنابراین در مکالمات بسیار مؤدبانه رفتار می‌کنند. شخصیت‌های زن از گفتاری کاملاً مؤدبانه و با مقبولیت اجتماعی بالا برخوردار هستند؛ بنابراین به ندرت از دش‌واژه‌های رکیک استفاده کرده، و دش‌واژه‌های غیررکیک را هم خیلی کم به کار برده‌اند. ولی برعکس، بسامد استفاده از دش‌واژه‌های غیررکیک در مکالمات آن‌ها زیاد است، که دلیل این امر رقابت‌گرا بودن مکالمات مردان و وجود بحث و جدل‌های فراوان بین آن‌ها است.

مقایسه فراوانی کاربرد دش‌واژه‌ها در مکالمات شخصیت‌های آثار نشان می‌دهد، مطابق با یافته‌ها و نظریات زبان‌شناسی، میزان استفاده مردان از دش‌واژه‌ها بیشتر

جدول ۱. کاربرد دش‌واژه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۹).

غیررکیک			رکیک		نوع دش‌واژه
کل	زن	مرد	زن	مرد	جنسیت
۱۶	۵	۱۱	۰	۱	آثار
					-

از زنان بوده است؛ هم‌چنین دش‌واژه‌های رکیک در مکالمات به‌ندرت استفاده شده است؛ بر این اساس، زبان زُمان از نظر کاربرد دش‌واژه‌ها موفق ارزیابی می‌شود. نمونه‌هایی از دش‌واژه‌های مکالمات عبارتند از:

۱- غیررکیک

- مدیر می‌گوید: «بچه خر، ساکت باش وگرنه مداد لای انگشت هایت می‌گذارند.» (دو دنیا: ۱۷).

- صدای خشمگین مادرم توی گوشم می‌پیچد: «بچه کثافت. ببین چه به روز لباس آورده‌ای!» (همان: ۲۳).

«امیرخان از آن مردهای بی‌کار و پفیوزی‌ست که تا بی‌پول می‌شود یاد مادرش می‌افتد.» (همان: ۴۱).

- خانم گرگه می‌گوید: «بچه خر، اگر باور نمی‌کنی که ناز ملوس خانم کلک می‌زند، برو از سوراخ کلید نگاه کن.» (همان: ۴۸).

- می‌گویم: «بچه عنتر، یک بار دیگر پایم را لگد کنی پوستت را می‌کنم.» (جایی دیگر: ۱۸).

- صدایش توی سرم پیچید: «برگرد سر جایت، الاغ.» (خاطره‌های پراکنده: ۳۲).

- مادر می‌گوید: «مرتیکه ایکبیری، کثافت.» (همان: ۶۲).

- مادر گفت: «می‌بینی مرتیکه پدرسوخته چه جور به این دختره زل زده؟» (همان: ۱۱۴).

۲- رکیک

صدایی جوابش را می‌دهد: «گه می‌خورند. دوهزار سال پیش، ما روی لحاف ابریشمی می‌خوابیدیم و توی ظرف طلا غذا می‌خوردیم. آن زمان این‌ها وجود نداشتند.» (جایی دیگر: ۱۵).

۲-۱-۵. رنگ‌واژه‌ها

زبان‌شناسان معتقدند، زبان مردانه، جدی و کلی‌نگر و زبان زنانه، احساسی و جزئی‌نگر

است. در زبان زنانه، توجه به جزئیات و ترکیب کلی آن دقیق‌تر از زبان کلی نگر مردانه است. لیکاف (۱۹۷۵)، رنگ‌واژه‌ها را مهم‌ترین زمینه‌ای می‌داند که جزئی‌نگری زبان زنانه را منعکس می‌کند. او اظهار می‌گوید، رنگ‌واژه‌هایی که از سوی زنان به کار برده می‌شوند، بسیار دقیق‌تر از رنگ‌واژه‌های مردانه است.

لیکاف (۱۹۷۳)، ادعا می‌کند، که رنگ‌واژه‌هایی مانند: قهوه‌ای روشن^۶، و بنفش کم‌رنگ^۷ و صفاتی مانند: قابل ستایش، و فریبنده اغلب به وسیله زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند، و به ندرت از سوی مردان مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ هم‌چنین گفته شده، که زنان برای تأثیر قطعی و بیشتر سخن خود، بر روی واژه‌ها تأکید می‌کنند؛ واژه‌هایی مانند: خیلی خوب، دوست‌داشتنی و... (غفارثمر و علی‌بخشی، ۲۰۰۷: ۶۰).

پژوهش‌های مختلفی که در عرصه نوشتار انجام شده است، نشان می‌دهد در متون زن‌نگاشته، جملات عمدتاً ساده و با حروف ربط به هم اتصال داده می‌شوند و از نظر توصیف جزئیات، بسیار دقیق‌تر از متون مردنگاشته است. در این پژوهش، رنگ‌واژه‌ها در دو مرحله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ ابتدا رنگ‌واژه‌های به کار برده شده از سوی شخصیت‌های زمان بررسی می‌شود، که انتظار می‌رود تعدد و تنوع رنگ‌واژه‌هایی که در گفت‌وگوهای شخصیت‌های زن به کار رفته، بیشتر از شخصیت‌های مرد باشد. در مرحله دوم، تمام رنگ‌واژه‌هایی که در متن آثار آمده، تحلیل می‌شود. پیش‌فرض ما این است که رنگ‌واژه‌های متون زن‌نگاشته، تعدد و تنوع بیشتری داشته باشند. جداول ۲ و ۳، پراکندگی رنگ‌واژه‌ها را در مکالمات شخصیت‌ها و متن‌زمان‌ها نشان می‌دهد.

در این رمان‌ها بسامد رنگ‌واژه‌هایی که شخصیت‌های مرد به کار برده‌اند، ۲۲/۶۷٪ و رنگ‌واژه‌هایی که شخصیت‌های زن به کار برده‌اند، ۷۷/۳۳٪ است.

مقایسه شواهد این آثار با نظریات زبان‌شناسان نشان می‌دهد که مطابق کلیشه‌های معمول، تعداد رنگ‌واژه‌های زبان زنانه بیشتر است؛ بر این اساس کاربرد رنگ‌واژه‌ها که از اختصاصات زبان زنانه محسوب می‌شود، در این آثار درست صورت گرفته است، و از این حیث زبان‌زمان با کلیشه‌های زبان‌شناسی مطابقت دارد. زبان شخصیت‌های زن نیز، از ویژگی دقت و جزئی‌نگری که بارزترین نمود آن کاربرد رنگ‌واژه‌های دقیق می‌باشد، برخوردار است.

در متن این آثار، ۷۵ رنگ‌واژه به کار رفته، که از حیث تنوع بسیار گسترده و رنگ‌واژه‌هایی مانند: سفید، سیاه، سبز، نارنجی و... را شامل می‌شود. در این زمان رنگ‌واژه‌های دودی / سیاه با ۲۱ بار تکرار، قرمز / سرخ با ۱۱ بار تکرار، سفید با ۱۹ بار تکرار، سبز با ۸ بار تکرار، بیشترین بسامد را دارند.

جدول ۲. رنگ‌واژه‌های به‌کار رفته در گفت‌وگوهای شخصیت‌ها

کل	به‌کار برده شده از سوی شخصیت زن	به‌کار برده شده از سوی شخصیت مرد
۷۵	۵۸	۱۷

جدول ۳. رنگ‌واژه‌های به‌کار رفته در متن ژمان

تعداد	رنگ‌واژه‌ها
۱۹	سفید
۲۱	سیاه
۸	سبز
۱۱	سرخ، قرمز
۶	آبی
۱	خاکستری
۴	بنفش
۱	صورتی
۱	نارنجی
۱	قهوه‌ای
۱	سرمه‌ای
۲	زرد
۰	کبود

دایره واژه‌های توصیف رنگ در گروه زنان وسیع‌تر است. آنان از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه مردان معمول نیست. رنگ‌های ارغوانی روشن و نخودی در زبان انگلیسی از این نوع است؛ همان‌طور که رنگ‌های نخودی، پسته‌ای، یشمی، آجری، عدسی، موشی، فیلی و... در زبان فارسی در گونه زبانی زنان معمول است. استفاده از رنگ‌واژه‌ها، نشان‌دهنده جزئی‌نگری زنان نسبت به مردان کل‌نگر است که میان شخصیت‌های زن در این ژمان با توجه به فضای حاکم تاحدودی به‌کار برده شده است.

نمونه‌هایی از رنگ‌واژه‌های به‌کار رفته در مکالمات شخصیت‌ها عبارتند از:

- ازین پرستارهای سفیدپوش موطلایی وحشت دارم (دودنیا: ۱۱).
- ازین درخت‌های سوگوار با سایه‌های غمگین خاکستری (همان: ۱۱).
- روی پیشانی‌اش ستاره طلایی، شبیه به تکه‌ای از خورشید، می‌درخشید (همان: ۱۲).
- باغ شمیران مثل خوابی سبز پشت پلک‌هایم می‌نشیند (همان: ۱۳).

- مردی جوان، به لاغری ترکه، با صورتی سفید و چشم‌هایی درشت سیاه به من خیره شده است (همان: ۱۳).
- دخترخانمی پریشان، با لب‌های عجیب قرمز و بار اضافی، پایم را لگد می‌کند (جای دیگر: ۱۰).
- دلم می‌خواهد عینک سیاهش را بردارد (همان: ۱۲).
- مو و ریش بلند دارد، چشم‌های سیاه (همان: ۱۲).
- پوششی شفاف و سفید، روی خاطره‌هایش می‌افتد (همان: ۱۷۲).
- این باید را با حروف قرمز توی مغزش نوشته است (همان: ۱۷۳).
- با کوه‌های سفید و بلند البرز در زیر آسمانی فیروزه‌ای فکر می‌کنم (خاطره‌های پراکنده: ۲).
- همه جا سفید سفید شده است (همان: ۷).
- گاهی وقت‌ها از ته بنفش آسمان اژدهایی بزرگ بیرون می‌آید (همان: ۷).
- دور زیگیل‌های گردن و پیشانی‌ش، نخ سیاه می‌بست (همان: ۱۹۶).
- دختر همسایه لاغر و زرد و بیمار شده (همان: ۱۹۷).

۲-۵. سطح جملات

۱-۲-۵. تعدیل‌کننده‌ها

تعدیل‌کننده‌ها، آن صورت‌های زبانی هستند که بر عدم اطمینان گوینده دلالت می‌کنند؛ برای مثال، عباراتی مانند: فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، همان‌طور که می‌دانید، ممکن است، شاید، احتمالاً و ... نمونه‌ای از تعدیل‌کننده‌ها محسوب می‌شوند.

لیکاف (۱۹۷۵)، دلیل استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها را عدم قطعیت و اطمینان آن‌ها می‌داند؛ وی، سه عملکرد را برای تعدیل‌کننده‌ها شناسایی کرده است که عبارتند از: (۱) عدم اطمینان گوینده را نشان می‌دهد. (۲) در حالت‌های مؤدبانه به کار برده می‌شود. (۳) از مشخصه‌های زبان زنانه است، کسانی که از قدرت در جامعه برکنار هستند (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

«اسواکر»^۸ (۱۹۷۵) نیز ثابت کرده، که زنان بیشتر از تعدیل‌کننده‌ها استفاده می‌کنند، که این امر بیانگر ابراز تردید در مورد مسائل است. در مقابل، مردان به میزان خیلی کمتری از تعدیل‌کننده‌ها در کلام خود بهره می‌برند.

پژوهش‌های «پریسلر»^۹ (۱۹۸۶) نشان می‌دهد، که زنان گفتار خود را با استفاده از تعدیل‌کننده‌هایی، مانند شما می‌دانید، نسبتاً و فقط مطرح می‌کنند. با توجه به

گفته «کوتس»^{۱۰} (۱۹۸۶)، جملاتی مانند: همان طور که شما می‌دانید، ادعا و جسارت کمتری نسبت به صورت غیرتعدیل شده آن، یعنی حقیقتاً جالب بود! دارد. پژوهش‌های «فیشمن»^{۱۱} هم استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها را تأیید می‌کند. او معتقد است که استفاده از تعدیل‌کننده‌ها، یک نوع ابراز جلب توجه مخاطب است. تحقیقات او نشان می‌دهد، در محاورات مختلط زنان دوست دارند بیشتر توجه مخاطب خود را به دست آورند؛ زیرا آنان کمترین واکنش را در هنگام مکالمه از سوی آنان دریافت می‌کنند (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۱۹).

در زبان فارسی، پژوهشی درباره کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در بین گویش‌وران زن و مرد انجام نشده است. پژوهش «خسرونژاد» (۲۰۰۷)، که بر روی متون نوشتاری فارسی و انگلیسی انجام شده، نشان می‌دهد، در متون مردنوشته، بسامد استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در بین شخصیت‌های مرد بیشتر از شخصیت‌های زن، و در متون زن نوشته فراوانی استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در بین شخصیت‌های زن بسیار بیشتر از شخصیت‌های مرد است؛ هم‌چنین این پژوهش نشان می‌دهد، فراوانی کاربرد تعدیل‌گرها در داستان‌های زن نوشته بسیار بیشتر از داستان‌های مردنوشته است. همان‌طور گفته شد، زبان‌شناسان تعدیل‌گرها را از کلیشه‌های زبان زنانه می‌دانند. فیشمن، اعتقاد دارد زنان از تعدیل‌گرها به‌عنوان روشی مؤدبانه برای تداوم مکالمه استفاده می‌کنند. با توجه به شواهد این زمان که بیانگر مؤدبانه بودن مکالمات زنان است، انتظار می‌رود میزان کاربرد تعدیل‌گرها در مکالمات زنان بیشتر باشد. مقایسه تعدیل‌کننده‌ها در این زمان نشان می‌دهد ۳۴/۱۷٪ آن‌ها در مکالمات مردان و ۶۵/۸۳٪ دیگر در مکالمات زنان به‌کار رفته است. بر این اساس، میزان استفاده کاراکترهای زن از تعدیل‌کننده‌ها بیشتر از کاراکترهای مرد بوده است که با نظریات لیکاف و فیشمن، مبنی بر کاربرد بیشتر تعدیل‌گرها به‌وسیله زنان مطابقت دارد و بیانگر موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت کاراکترها است.

نمونه‌هایی از تعدیل‌کننده‌ها در مکالمات شخصیت‌ها عبارتند از:
- شاید به سرنوشت فرزندانش نگاه می‌کرد (دودنیا: ۱۲).

جدول ۴. کاربرد تعدیل‌کننده‌ها

کل	تعدیل‌کننده‌های زنانه	تعدیل‌کننده‌های مردانه
۷۹	۵۲	۲۷

- غیرممکن است (همان: ۱۳).
- می‌دانم که تنبیه بزرگی در انتظار ماست (همان: ۱۴).
- به چشم من شاید این‌گونه می‌آید (همان: ۲۰).
- انگار موجودی عقب مانده‌ام (همان: ۲۰).
- گه‌گاه نوازنده‌ای که یک زمان در این کلینیک بستری بوده، به دیدن دوستان قدیمیش می‌آید (همان: ۲۰).
- شاید هم کشته شده‌اند (همان: ۱۰۲).
- گمانم از همان ماهی‌های توی حوض است (همان: ۱۰۹).
- می‌گوید: شاید با پدرم بیایم (همان: ۱۱۱).
- شاید همه چکار نکنم (همان: ۲۱۰).
- (آزاده درخشان؟) شاید (جایی دیگر: ۱۳).
- گیرم این خانوم آزاده درخشان باشد. خوب (همان: ۱۴).
- احتمالاً خواب شوهر و بچه‌هایش را می‌بیند (همان: ۱۷۳).
- انگار در حبایی از شیشه هستم (خاطره‌های پراکنده: ۵).
- با این حال، به نظر من، بهترین و قشنگ‌ترین مادر دنیاست (همان: ۱۴).
- انگار در بیابانی سفید راهمان را گم کرده‌ایم (همان: ۱۴).
- شاید هم مرا فراموش کرده است (همان: ۱۵).
- انگار دلم برایش می‌سوزد (همان: ۳۴).
- گمان می‌برده که زنش دارد به یک نفر نگاه می‌کند (همان: ۵۴).
- انگار از مادر وحشت داشت (همان: ۱۱۸).
- انگار این «بعد از ما» متعلق به من هم خواهد بود (همان: ۲۱۱).
- شاید این وقت سرمستی لحظه‌ای گذرا باشد (همان: ۲۱۵).
- نمی‌دانم جای واقعییم کجاست و برایم مهم نیست (همان: ۱۵).
- این کمابیش عقیده همه است (همان: ۱۷۳).

۵-۲-۲. تصدیق‌گرها

«تصدیق‌گرها» (یا پاسخ‌های کوتاه)، به عبارتی گفته می‌شود که نشان‌دهنده توجه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی را بازی می‌کند و استفاده از تصدیق‌گرهایی مثل: «آها، بله، درسته، آره، خب، و...» همانند مختصه‌های فرازبانی لبخند زدن یا سرتکان دادن نشانگر دقت و توجه فعال می‌باشد.

مطالعات انجام شده در زبان انگلیسی (کریستال و دیوی^۲، ۱۹۷۵) نشان می‌دهد که در جامعه زبانی انگلیسی، زنان بیشتر از مردان از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند؛ زیرا آن‌ها مشارکت فعال‌تری در مکالمات دارند، و برای تداوم گفت‌وگو بیشتر تلاش می‌کنند. تصدیق‌گرها (یا پاسخ‌های کوتاه) به عباراتی گفته می‌شود، که نشان‌دهنده توجه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی دارد، و استفاده از تصدیق‌گرهایی مثل: «آها، بله، درسته، آره، ای، خب، و...» همانند مختصه‌های فرازبانی لبخندزدن یا سر تکان دادن، نشانگر دقت و توجه فعال است (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰). تصدیق‌گرها، هرچند معمولاً به صورت کلماتی مانند: آهان، بله، خب، درسته، مطرح می‌شوند؛ ولی چون این عبارات معنی جمله می‌دهند، و معنی «کلام شما درست است» از آن برداشت می‌شود، آن‌ها در حوزه جملات قرار داده شده‌اند.

پژوهش‌های زبان فارسی نیز این فرضیه را تأیید می‌کنند؛ چنان‌که طبق یافته‌های جان‌نژاد، زنان در ۷۰/۴٪ و مردان در ۲۹/۶٪ موارد از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند. بررسی تصدیق‌گرها در این زمان نشان می‌دهد، ۳۰/۵۶٪ آن‌ها در مکالمات زنان و ۶۹/۴۴٪ آن‌ها در مکالمات مردان استفاده شده است؛ یعنی، میزان استفاده شخصیت‌های زن از تصدیق‌گرها بیشتر از مردان بوده است.

زبان‌شناسان تصدیق‌گرها را از کلیشه‌های زبان زنانه می‌دانند، شواهد این زمان نشان می‌دهد، بین شخصیت‌های مرد و زن در استفاده از تصدیق‌گرها اختلاف معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد نویسنده توانسته است به درستی تصدیق‌کننده‌ها را در زبان شخصیت‌های داستان به کار ببرد.

نمونه‌هایی از کاربرد تصدیق‌گرها در مکالمات عبارتند از:

- تریاکش را گوشه لپش می‌گذارد و مثل آب نبات می‌مکد (می‌دانم). از بزرگ‌ترها شنیده‌ام)، (دو دنیا: ۱۹).

- مادر می‌گوید: «این زن بویی از مهر مادری نبرده و دلش از سنگ است»، و پدر با حالتی خاص، ترکیبی از تأیید و افسوس، سرش را تکان می‌دهد (همان: ۳۲).

- مأمور گمرک می‌گوید: «خانم، ما هم خسته‌ایم». مسافر بغلی می‌خواهد خودشیرینی کند. می‌گوید: «بله، حق با شماست.» (جایی دیگر: ۳۳).

جدول ۵. کاربرد تصدیق‌گرها

تصدیق‌گرهای مردانه	تصدیق‌گرهای زنانه	کل
۲۲	۵۰	۷۲

- مردی می‌گوید: «راه ما یکی ست. من جلوتر پیاده می‌شوم. اجازه می‌دهید؟»
البته، حرفی ندارم (همان: ۴۰).
- می‌پرسد: «خانم جان، شما هم به سوئد می‌روید؟»
سرم را تکان می‌دهم. (همان: ۵۳).
- می‌پرسد: «شما هم بچه دارید؟»
سرم را به علامت تأیید تکان می‌دهم (همان: ۵۶).
- زینب دوباره گفت: «می‌دانم نباید حرف بزنم، اما خیلی دلم می‌خواهد حرف بزنم.»
- دوتا دوتا نداریم. نمی‌شود. خیلی هم خوب می‌شود (خاطره‌های پراکنده: ۳۷).
- البته چکی جانانه در انتظارمان است تا دیگر از این غلط‌های زیادی نکنیم (همان: ۵۰).
- مادر گفت: «خوب حرف بزن» (همان: ۱۱۵).

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش، مطالعه‌ای است که به بررسی و ارزیابی تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان شخصیت‌های زن و مرد پرداخته است. این مطالعه به صورت بین‌رشته‌ای از یافته‌های علم زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان در تحلیل زبانی متون ادبی بهره برده است؛ هم‌چنین هرچا که نیاز دیده شد از نظریات نظریه‌پردازان فمینیست، به‌ویژه زبان‌شناسان فمینیستی برای توضیح و تبیین فرضیات استفاده شد.

مقایسه‌ی بسامد کاربرد دش‌واژه‌ها در مکالمات شخصیت‌های آثار گلی ترقی نشان می‌دهد، مطابق با یافته‌ها و نظریات زبان‌شناسی، میزان استفاده‌ی مردان از دش‌واژه‌ها بیشتر از زنان بوده است. هم‌چنین دش‌واژه‌های رکیک استفاده نشده است؛ بر این اساس، زبان زُمان از نظر کاربرد دش‌واژه‌ها موفق ارزیابی می‌شود.

کاربرد رنگ‌واژه‌ها نیز که از اختصاصات زبان زنانه محسوب می‌شود، در این آثار به درستی صورت گرفته است، و از این نظر زبان آثار با کلیشه‌های زبان‌شناسی مطابقت دارد، و زبان شخصیت‌های زن ویژگی دقت و جزئی‌نگری را که بارزترین نمود آن کاربرد رنگ‌واژه‌های دقیق است، ندارد.

تعدیل‌کننده‌ها آن صورت‌های زبانی هستند، که اثر کلام گوینده را کاهش می‌دهند. زبان‌شناسان معتقدند که تعدیل‌کننده‌ها از کلیشه‌های گفتاری زبان زنانه است؛ زیرا پیش‌فرض آنان این است که زنان در گفتار خود دچار تردید هستند. نتایج بررسی این آثار نشان می‌دهد، که این کلیشه به درستی استفاده شده است.

تصدیق‌گرها یا پاسخ‌های کوتاه، نشانه توجه مثبت شنونده است و به اعتقاد زبان‌شناسان، زنان از آنجا که بیشتر در مکالمات مشارکت می‌کنند، بیشتر هم از تصدیق‌گرها بهره می‌برند. میزان کاربرد تصدیق‌گرها برای شخصیت‌های زن بیشتر است، و چون زنان در این آثار کاملاً خود را به رعایت کلام مؤدبانه ملزم می‌دانند، معناداری یافته‌ها منطقی به نظر می‌رسد.

بنابراین عوامل زبانی زبان زنانه در زمان تاحدودی مساوی به کار رفته است؛ اگرچه زمان از حیث استفاده از کلیشه‌های زبان‌شناسی وضعیت مطلوبی دارد، تأثیر جنسیت نویسنده در زبان آن انکارناپذیر است. لیکاف، زبان‌شناس معروف فمینیسم، یکی از مهم‌ترین وجوه اختلاف نوشتار زنان و مردان را در رنگ‌واژه‌ها می‌داند. به عقیده او زنان چون برخلاف مردان، که کلی‌نگر هستند به جزئیات توجه زیادی می‌کنند از رنگ‌واژه‌های بیشتر و گوناگون‌تری در نوشته‌هایشان استفاده می‌کنند. این موضوع با بررسی‌ای که در مورد رنگ‌واژه‌ها انجام گرفت، کاملاً به اثبات رسید. پس می‌توان نتیجه گرفت جنسیت نویسنده در زبان زمان و زبان شخصیت‌های زن بسیار مؤثر است که در بررسی‌های زبانی هر اثر نباید آن را از نظر دور داشت.

پی‌نوشت

- 1- W. Labov
- 2- P. Trudgill
- 3- R. Lakoff
- 4- Folklin Guistics
- 5- Language and women's place
- 6- Beige
- 7- Lavender
- 8- Swacker
- 9- Preisler
- 10- Coates
- 11- Fishman
- 12- Crystal & Davy

کتابنامه

- امین، سیدحسن، (۱۳۸۴). ادبیات معاصر ایران. تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی.
- بهمنی، یدالله، و باقری، نرگس، (۱۳۹۱). «مقایسه زبان در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد». فصلنامه زن و فرهنگ، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۴۳-۵۹.
- ترادگیل، پیتر، (۱۳۷۶). زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه. ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگه، چاپ اول.

- توسلی، ناهید، (۱۳۸۵). «اختاپوس». به مناسبت سومین سالمرگ سیمین دانشور». نشریه آدینه، شماره ۱۳۸، صص: ۸۶-۸۷.
- جان‌نژاد، محسن، (۱۳۸۰). «زبان و جنسیت: پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای». رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- فارسیان، محمدرضا، (۱۳۷۸). «جنسیت در واژگان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محمدی‌اصل، عباس، (۱۳۸۸). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی. تهران: گل‌آذین، چاپ اول.
- مدرّسی، یحیی، (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: چاپ اول.
- میرعبادینی، حسن، (۱۳۸۵). هشتاد سال داستان کوتاه ایران. جلد ۲، تهران: کتاب خورشید، چاپ اول.
- نوشین‌فر، ویدا، (۱۳۸۱). «زبان و جنسیت». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، شماره ۲، صص: ۱۸۱-۱۸۸.
- یزدانی خرم، مهدی، (۱۳۸۸). «آن‌ها دنیا را از چشم خود دیدند: به مناسبت سالروز تولد صادق هدایت». نشریه چلچراغ، شماره ۸۸، صص: ۳۴-۳۵.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها. تهران: جامی، چاپ نهم.

- Aragamon, Sh.; Koppel & Moshe, Fine, Jonatahan & Shimoi, A. R., (2003). "Gender, genre, and writing style in formal written texts". *Interdisciplinary Journal for the Study of Discourse*. Vol. 23, Issue 3, Pp: 321-346.

- Courtney, M. B.; Philip, M. M. & Danielle, S. M., (2006). "Variations in Language Use across Gender: Biological versus Sociological Theories". In: R. Sun & N. Miyake (Eds.), *Proceedings of the 28th Annual Conference of the Cognitive Science Society* (Pp: 1009). Mahwah, NJ: Erlbaum.

- Khosronejad, A., (2007). "The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories". Trbiat Moallem University.

- Nemati, A. & Bayer, M. J., (2007). "Gender differences in the use of linguistic forms in the speech of men and women-A comparative study of Persian and English". *Glossa*, No. (3)1, Pp: 185-201.

- Ghafar Samar, R. & Alibakhshi, G., (2007). “The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication”. *Linguistics Journal*, Vol. 3, Issue 3, Pp: 59-71.

